

فصلنامه مدیریت سرمایه انسانی دفاعی

سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۱۶۱-۱۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۵

مقاله مروری

بررسی جامعه شناختی دو مدل دینداری و سنجش مقایسه ای دینداری در دو دانشگاه نظامی بر اساس مدل برگزیده

^۱ مهدی میرزایی

^۲ غلامرضا جمشیدیها

^۳ علیرضا اکبرزاده

^۴ محمد پارسا

چکیده

مسئله‌ای که منجر به انجام این تحقیق گردید، استفاده مکرر تحقیقات علمی در ایران، از مدل دینداری گلاک و استارک با سابقه مسیحی و غربی برای سنجش میزان دینداری در جامعه ای مسلمان و همچنین دغدغه اثربخشی تاکیدات برنامه محور و سیستماتیک دانشگاه امام علی (ع) بر دینداری دانشجویان بود، بنابراین هدف این پژوهش علاوه بر معرفی مدلی مناسب برای سنجش دینداری در جامعه ایران، سنجش میزان دینداری دانشجویان دانشگاه های نظامی و مقایسه سطح دینداریشان در حد توان است. جامعه آماری تحقیق حاضر، دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی می‌باشد که از میان آنها تعداد ۲۷۰ نفر به روش نمونه‌گیری احتمالی ساده به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق باور دینی دانشجویان را قوی نشان داد (میانگین ۲/۹۶ از ۳). پابندی دانشجویان به اخلاقیات در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر است. پابندی به عبادیات و شرعیات دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ و دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی به ترتیب برابر ۲/۵۳ و ۲/۷۴ است. بطور خلاصه در مورد دینداری

^۱ استادیار دانشکده مدیریت و علوم نظامی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: ma.mirzaei@alumni.ut.ac.ir

^۲ استادیار دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ استادیار دانشکده مدیریت و علوم نظامی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد مدیریت دولتی

کلی افراد می‌توان گفت که اکثریت دانشجویان هر دو دانشگاه (۸۱/۳ درصد دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۵۵ درصد دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) دارای دینداری قوی هستند و دینداری سطح ضعیف در بین دانشجویان دیده نشد، یافته‌های تحقیق دینداری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) (۲/۸۱) را از دینداری دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی (۲/۵۵) قوی‌تر نشان داد که نشان دهنده اثربخش بودن برنامه‌های سیستماتیک دانشگاه امام علی (ع) در ارتقاء سطح دینداری است.

کلیدواژه‌ها: مدل دینداری، میزان دینداری، دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)، دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی.

مقدمه

توجه انسان به دین از زمان‌های بسیار دور و به روایاتی به ماقبل تاریخ مربوط می‌شود. انسان از زمانی که غارنشین بوده و بعد از آن در قالب توت‌پرستی، حیوان‌پرستی، بت‌پرستی و ادیان ابراهیمی دینداری خود را نشان داده است. امروزه ادیان ابراهیمی و در کنار آن نهضت‌های دینی جدید بر دیگر ادیان و مذاهب موجود غالب هستند. پژوهش‌ها و تحقیقات در زمینه دین و دینداری در حوزه جامعه‌شناسی دین امروزه توجه بسیاری از محققین و دانشمندان مربوطه را به خود جلب نموده است بطوریکه کثرت مطالعات علمی در این حوزه نشانگر علاقمندی و اهتمام محققین به این حوزه می‌باشد. نکته جالب توجه حجم مطالعات جامعه‌شناسی دینداری در کشورهای اروپایی و آمریکا بیشتر از کشورهای مسلمانی چون ایران با مدعای جامعه دینی است. در این نیز حداقل در حوزه جامعه‌شناسی دین در دو دهه اخیر تلاش‌های علمی قابل توجهی صورت گرفته است. این تحقیق هم تلاشی هرچند حداقلی در راستای افزودن به غنای علمی تحقیقات حوزه جامعه‌شناسی دین است.

بیان مساله

مساله تحقیق نشأت گرفته از استفاده مکرر پایان‌نامه‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی از مدل دینداری گلاک و استارک^۱ برای سنجش میزان دینداری جوانان و دانشجویان بود بطوری که گویی جامعه علمی ایران از ارائه مدلی بومی و منطبق با فرهنگ و دین موجود در کشورمان عاجز است. در مسأله بودن استفاده بسیار زیاد از مدل گلاک و استارک همین بس که این مدل دارای سابقه مسیحی است و استفاده از آن برای جامعه‌ای مسلمان و با اکثریت شیعه عمل سزاواری نیست از طرفی دغدغه اثربخشی تأکیدات برنامه محور و سیستماتیک دانشگاه امام علی (ع) بر دینداری دانشجویان از دلایل شکل‌گیری بعد دیگری از مساله این تحقیق است.

^۱ Glock & Stark.

در اهمیت و ضرورت تحقیق می‌توان گفت با توجه به اینکه دین از شاخص‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران است و دینداری و پایبندی به آموزه‌های دینی، در میان کارگزاران آن، مخصوصاً نیروهای مسلح از دغدغه‌های این نظام و مسئولینش می‌باشد؛ بنابراین چگونگی سطح دینداری نیروهای مسلح بویژه دانشجویان دانشگاه‌های نظامی موضوعی است که از اهمیت درجه اول برخوردار است و رصد میزان دین‌داریشان به عنوان بخشی از آینده سازان نیروهای مسلح خود یک ضرورت اساسی می‌باشد.

سوالات این تحقیق عبارتند از:

۱. کدام مدل از بین مدل‌های مختلف دینداری با شرایط تاریخی و دینی جامعه ایران مناسب تر است؟

۲. وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی بطور کلی و نسبت به هم چگونه است؟

اهداف تحقیق حاضر عبارتند از:

۱- معرفی یک الگو یا مدل منسجم از دینداری از طریق نقد و بررسی و مقایسه دو مدل دینداری گلاک و استارک و شجاعی‌زند^۱ است بطوریکه مدل انتخاب شده بیشترین تطابق را نیز با فرهنگ دینی جامعه ایران داشته‌باشد.

۲- سنجش مقایسه‌ای میزان دینداری دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی.

در ادامه برای انتخاب مدل مناسب از دینداری تعاریفی چند از مفهوم دینداری لازم است پس از چند تعریف مقدماتی، تعریفی مناسب از دینداری ارائه گردد. هیمل فارب^۲

^۱Himmelfarb

(۱۹۷۵) با بررسی برخی از سنخ‌شناسی‌های پایبندی دینی (دینداری) مشکل تعریف این نوع سنخ‌شناسی‌ها را چنین توضیح داده‌است که پژوهشگران معمولاً پایبندی دینی را تعریف نمی‌کنند یا تعریف پایبندی دینی از ابعاد پایبندی دینی که خود پژوهشگران آن را طرح-ریزی کرده‌اند، مشتق می‌شود. او با یادآوری ضرورت تعریف مقدماتی پایبندی دینی، آن را عبارت از میزان تاثیر دین فرد، بر علایق، اعتقادات و فعالیت‌های فرد می‌داند. (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰) از منظر طالبان (۱۳۸۰، ۱۰) «دینداری یا تدین حالت انسان است که دین متعلق آن به شمار می‌رود. در واقع اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورهای دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) را پذیرفته باشند. بنابراین در مقام تعریف می‌توان اظهار نمود که دینداری یا تدین التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی دور می‌زند که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او سامان می‌پذیرد.» تعریف شجاعی‌زند از دینداری این گونه است: «دینداری صفتی است مربوط به افراد که در آن فرد بر الگوها و دستورات یک دین پایبند است، نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود.» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶)

در اتخاذ تعریفی مناسب از دینداری یادآوری این نکته اساسی لازم است که دینداری دارای ابعاد و اجزایی است که از وجوه مختلف دین منبعث می‌گردد و برحسب رویکرد و فحوای متفاوت ادیان تعاریف متفاوتی می‌پذیرد، چیستی دینداری، اولاً مقدم بر بحث از وضع دینداری است و ثانیاً یک دعوی کلامی است که تنها با مراجعه به متن مقدس یک آیین یا بررسی تجربه و تعالیم نخستین آن، قابل رفع و فصال است. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴)

با توجه به این که جامعه ما یک جامعه مسلمان است، می‌توان بطور مستقیم از ابعاد مورد اجماع در اسلام سراغ گرفت که برحسب «تعابیر مختلف ابعاد دین در اسلام سه بعد اعتقادات، عبادات، اخلاق و با تفصیل بیشتر پنج بعد اعتقادات، ایمان، عبادات، اخلاق و شریعات ذکر شده‌است.» (همان: ۵۳-۵۲) بنابراین دینداری را می‌توان: «اعتقاد به آموزه‌های دینی، ایمان و دلبستگی به آن‌ها، پایبندی به مناسک، احکام، دستورات، آداب عملی

(متشرع بودن و عبادت کردن) و تعامل دین پسند با دیگران (اخلاقیات)» دانست. این تعریف راهنمای ما در اتخاذ مدل نظری مناسب از دینداری است.

تحقیق حاضر بصورت اکتشافی به مقایسه دو مدل دینداری (گلاک و استارک و شجاعی‌زند) پرداخته و سپس از مدل انتخابی برای سنجش مقایسه ای دینداری استفاده کرده است، در راستای تحقیقات اکتشافی سوالات و اهداف را مشخص کردیم و فرضیات در جهت تایید اکتشافی به شکل زیر تدوین گردید:

مدل دینداری شجاعی‌زند در مقایسه با مدل گلاک و استارک برای سنجش دینداری در جامعه ایران مناسب تر است.

سطح دینداری اکثریت دانشجویان دو دانشگاه نظامی مورد نظر بالا باشد.

سطح دینداری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) بالاتر از سطح دینداری دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی می باشد.

ادبیات تحقیق

سید حسین سراج‌زاده و مهناز توکلی (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی» مسئله چند بعدی بودن مفهوم دینداری را بررسی کرده است. وی الگوی گلاک و استارک را برای هر مطالعه دینداری مناسب و کاربردی دانسته و از طرفی تلاش برای رسیدن به الگویی بین فرهنگی از دینداری را برای سنجش دینداری در میان ادیان و دیگر فرهنگ‌ها ضروری دانسته است که این دو نتیجه متناقض است. شجاعی‌زند (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» پس از نقد و بررسی مدل‌های مختلف دینداری مدل خود را به عنوان مدلی بومی و منطبق با فرهنگ جامعه ایران ارائه می‌دهد که همسو با تحقیق حاضر است، اما تحقیق حاضر بر خلاف تحقیق شجاعی‌زند که به طور کلی مدل‌های مختلف دینداری را نقد و بررسی کرده‌است به طور خاص و جامع‌تر به به مقایسه مدل وی با مدل گلاک و استارک

پرداخته است. محمدرضا پویافر (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری»، سنجه‌های دینداری گلاک و استارک، شجاعی‌زند و یک سنجه روانشناختی (خدایاری‌فر) را با هم مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده‌است که اعتبار و پایایی هر سه سنجه در سطح مطلوبی است. اما پویافر در مقایسات خود وزن بومی بودن و پایه‌های نظری مدل‌ها را تا حدی نادیده گرفته است. رضا محبوبی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری» به روش میدانی و با استفاده از تکنیک مصاحبه یک الگوی مفهومی جدید مشتمل بر وجوه سه‌گانه و ابعاد چهارگانه دین (اعتقادات، ایمان، اخلاق و شریعت) برای سنجش دینداری طراحی کرده است. وی نتیجه‌گیری می‌کند با توجه به اعتبار و پایایی مناسب مدل طراحی شده، می‌توان از آن برای کارهای پژوهشی مشابه استفاده کرد. الگوی مورد نظر محبوبی ترکیبی است از مدل شجاعی‌زند (۱۳۸۴) و محسنی تبریزی و کرم‌اللهی (۱۳۸۸) اما وی بصورت کاملاً مختصر به بیان نکات ضعف و قوت مدل‌های مذکور پرداخته است. حسین شجاعی‌زند و علیرضا شجاعی‌زند (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی روایی در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران» با روش فراتحلیل و بصورت کتابخانه‌ای پژوهش‌های مطرح در حوزه سنجش دینداری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران از ضعف روایی برخوردارند و نتایج حاصل از سنجش دینداری ایرانیان در این تحقیقات را باید با احتیاط بیشتری تعمیم داد. حسین شجاعی‌زند و علیرضا شجاعی‌زند مدلی ارائه نداده‌اند و یا بصورت انتقادی به بررسی مدل‌ها نپرداخته‌اند.

چارچوب نظری

از دهه ۶۰ میلادی به بعد مقیاس‌های متعددی برای سنجش دینداری طراحی گردیده است که عمدتاً از دهه شصت میلادی به این سو شکل گرفته‌اند. فوکویاما (۱۹۶۱)، لنسکی (۱۹۶۱)، گلاک و استارک (۱۹۶۵، ۱۹۷۰)، یینگر (۱۹۷۰)، کینگ و هانت (۱۹۷۲)، دیجانگ، فالکنر و وارلند (۱۹۷۶)، کورن‌وال، البرخت، کانینگهام، پیچر (۱۹۸۶) و دیگران هر یک مدل‌ها و مقیاس‌های مختلفی را برای سنجش اعتقادات و اعمال دینی، نگرش‌های

دینی، جهت گیری مذهبی، رشد دینی، تعهد مذهبی، تجربه دینی، ارزش های دینی و نظیر آن طراحی کرد هاند (هیل و هود، ۱۳۸۲).

از بین مدل های غربی سنجش دینداری، مدل گلاک و استارک (۱۹۷۰) جهت نقد و بررسی انتخاب شده است. (پایان نامه ها و پژوهش های مختلفی از جمله سراجزاده، توکلی (۱۳۸۰)، مصری (۱۳۸۵) و... پس از نقد مدل های غربی دینداری نام برده شده در بالا، سرانجام به مدل گلاک و استارک با کمی تغییر رسیده اند لذا ما دوباره کاری نکرده و از تکرار نقدی که قبلاً شده اند، جلوگیری می کنیم.) علت انتخاب این مدل از بین تمامی مدل های موجود این است که این مدل بنا به شواهد پژوهشی موجود (سراجزاده، توکلی، ۱۳۸۰) مشهورترین و پر کاربردترین مدل بوده^۱، به تعریف ما از دینداری نزدیک، و بیش از سایر مدلها، آزمون خود را پس داده است و یا به عبارت دیگر اجماع اساتید فن را در استفاده از آن به همراه آورده است به عنوان مثال سراجزاده پس از نقد مدل های مختلف دینداری، بیان می کند: «با اینکه در بین جامعه شناسان توافق حاصل شده که ابعاد دینداری در هر مطالعه ای متفاوت با دیگری است اما با وجود این، به نظر می رسد که الگوی گلاک و استارک برای مطالعه هر نوع دین و در هر تحقیقی که دینداری را یک متغیر در نظر می گیرد، الگویی مناسب و به کاربستنی باشد با این حال وی این نکته را نیز خاطر نشان می کند که بیشتر تحقیقات تجربی که چند بعدی بودن دینداری را آزمون کرده اند، درون فرهنگ غربی، به ویژه در آمریکا، صورت گرفته اند. بنابراین، برای عرضه الگویی بین فرهنگی از دینداری، باید مطالعات مربوط به سنجش دینداری در میان فرهنگ ها و ادیان دیگر را هم دنبال کرد.» (سراجزاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۷۶) این گونه آراء ما را رهنمون می سازد که به مدل های داخلی نیز توجهی داشته باشیم، لذا از بین مدل های داخلی مدل شجاعی زند به علت بومی بودن، شباهت زیاد به مدل گلاک و استارک و همچنین استفاده قبلی در دو پژوهش

دانشگاهی^۱ مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت از بین دو مدل نظری دینداری، مدلی را برای سنجش دینداری انتخاب می‌کنیم که دارای ویژگی‌های فنی جامعیت در پوشش مفهومی دینداری، عدم یا کمتر همپوشانی ابعاد دینداری^۲ (همان، ۱۶۹) و ویژگی که از دو ویژگی قبلی بسیار مهم‌تر است، سازگاری بیشتر مدل با متون اسلامی و وضعیت مذهبی جامعه خودمان و همچنین تعریف ما از دینداری باشد.

مدل دین‌داری گلاک و استارک (۱۹۶۵، ۱۹۷۰)

از ابتدای دهه ۱۹۶۰ که برای اولین بار اندیشه ماهیت چند بعدی دین مطرح شد، تحقیقات و بحث‌های زیادی صورت گرفته‌است. با وجود این، به نظر می‌رسد، اکنون بحث‌های قدیمی در مورد چند بعدی بودن دینداری، اهمیت خود را از دست داده‌اند و این نکته را عموماً پذیرفته‌اند که دین نمی‌تواند پدیده‌ای تک‌بعدی باشد.

با آنکه واچ (۱۹۵۱) برای نخستین بار این نکته را مطرح کرد که تجربه دینی در همه ادیان جهان دارای سه بعد است، اما آثار گلاک و استارک توجه پژوهشگران را به سوی تعریف چند بعدی از دین‌داری جلب کرد، به طوری که بحث چند بعدی بودن با نام آن‌ها پیوند خورده‌است. (همان، ۱۳۸۰)

گلاک طی دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد. وی با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط مدل جدیدی از دینداری پرداخت. هدف اصلی آن‌ها، عموماً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به اعتقاد گلاک و استارک همه ادیان جهانی، علی‌رغم تفاوت بسیار زیاد در جزئیات، دارای حوزه‌های کلی هستند که دین‌داری در آن حوزه‌ها - یا به عبارت بهتر ابعاد - جلوه‌گر می‌شود.

شهرتِ گلاک و استارک به دلیل پیشنهاد و اجرای سنجۀ چندبُعدی دین داری است که مدعی شده‌اند به رغم زمینه و صبغۀ مسیحی و غربی آن، قابلیت بکارگیری و تعمیم به هر یک از ادیان جهانی را هم دارد. (گلاک و استارک، ۱۹۶۵؛ استارک و گلاک، ۱۹۷۰) آن‌ها برای دینداری چهار بُعد اصلی «باور»^۱، «عمل»^۲، «تجربه»^۳ و «دانش»^۴ را تحت عنوان «ابعاد عمومی التزام دینی»^۵ مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه در سطح مقیاس‌های اولیه، به پنج شاخص تقسیم شده‌اند که افزایش آن ناشی از تفکیک بُعد عمل، به دو شاخص «اهتمام مناسکی»^۶ و «عبادی»^۷ است. در مقیاس‌های ثانویه، شاخص‌ها نهایتاً به هشت عدد افزایش یافته است که اولاً ناشی از تفکیکی است که در بُعد «باور» صورت گرفته است و ثانیاً به دلیل افزودن دو مقیاس ثانویه اضافی است که ناظر به روابط اجتماعی دینداران است.^۸ (استارک و گلاک، ۱۹۷۰)

جدول شماره (۱) مدل دین داری گلاک و استارک

ابعاد عمومی التزام دینی	مقیاس‌های اولیه	مقیاس‌های ثانویه
باور	شاخص راستکشی	شاخص برگزیدگی
		شاخص اخلاقگرایی
عمل	شاخص مناسکی	
	شاخص عبادی	
تجربه	شاخص تجربه دینی	
دانش	شاخص دانش دینی	

^۱ belief
^۲ practice
^۳ experience
^۴ knowledge
^۵ General Dimensions of Religious Commitment
^۶ ritual involvement
^۷ devotionism

شاخص مشارکتی } شاخصهای ارتباطی } شاخص معاشرتی	
---	--

ابعاد دینداری مورد نظر گلاک و استارک بر اساس جدول شماره (۱) به شرح ذیل است:

بعد باور: آنچه که انتظار می‌رود، پیروان یک دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: «باورهای پایه‌ای مسلم^۱ که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایتگرا^۲ که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف نشان می‌دهند. باورهای زمینه ساز^۳ که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی‌گیرد.» (سراج زاده، توکلی، ۱۳۸۰) همان طور که قبلاً گفته شد گلاک و استارک بعد عقیدتی را بعد ایدئولوژیکی هم نامیده‌اند.

بعد عمل: مشتمل بر دو دسته‌اند؛ نخست، شعایر یا مناسک که عبارت است از آداب و رسوم رسمی یا رفتارهای نمونه‌ای در میان معتقدان هر دین یا بطور کلی مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آنها را به جا آورند. دیگری، پرستش و دعا که اعمالی فردی، خصوصی و غیررسمی هستند که فرد آن را فقط با رضایت خاطر و بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد. (طالبان، ۱۳۸۰)

بعد تجربه: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آئینی نمود بیرونی ندارد، دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند، «مؤمن» و «مخلص» نامیده می‌شوند. در واقع تجربه «واقعه‌ای است که شخص از سر می‌گذراند (خواه بعنوان عامل و خواه بعنوان ناظر) نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی

^۱warranting
^۲purposive
^۳implementing

را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند، یعنی شخص متعلق به این تجربه، یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد، (خداوند یا تجلی خدا در یک فعل) یا آن را موجودی می‌انگارند که به نحوی با خدا مربوط است. (تجلی خدا در شخصیتی مقدس) و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارند. حقیقتی که توصیف ناپذیر است» (پترسون، ۱۳۸۳: ۶۳) و یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بعد تجربه یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات^۱ و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیتی غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. (سراج-زاده، توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

انواع تجربه دینی از نظر گلاک و استارک عبارت است از:

۱. تأییدی^۲: حس مودت و تأیید به وجود خدا.

۲. ترغیبی^۳: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او.

۳. شیدایی^۴: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا.

و حیانی^۵: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن (مهدیزاده، ۱۳۷۹).

بعد دانش: اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان، آنها را بدانند. (سراج‌زاده، توکلی، ۱۳۸۰) دانش دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد.

بعد پیامدی: به اعمال و یا پیامدهایی گفته می‌شود که ریشه در باور، عمل، تجربه و دانش دینی فرد دیندار دارد. این بعد در میان ابعاد مدل دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد. علت حذف آن این است که گفته می‌شود، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است نه بعدی از ابعاد آن. همان طور که قبلاً گفته شد، شاید بتوان گفت که نقد امثال هیمل

^۱ perceptions
^۲ confirming
^۳ responsive
^۴ ecstatic
^۵ revelational

فارب و بینگر به بعد پی‌آمدی مدل گلاک و استارک منجر به تجدید نظر در ایده اولیه این دو و خارج کردن بعد پی‌آمدی از همترازی با ابعاد چهارگانه پیش گفته، شد. نقد بینگر (۱۹۷۰: ۲۷) به گلاک و استارک، این است که چرا جنبه پیامدی دین را که یک متغیر وابسته است، در کنار ابعاد دینداری قرار داده است که متغیرهای مستقل و مداخله‌گر هستند. (شجاعی-زند، ۱۳۸۴: ۴۳)

نقد مدل گلاک و استارک:

ضعف‌های مدل گلاک و استارک را می‌توان تحت دو عنوان کلی عدم جامعیت (بدین معنا که فاقد بعضی از ابعاد دینداری باشد) و عدم مانعیت (بدین معنا که بعضی از مؤلفه‌ها که به عنوان ابعاد دینداری تلقی می‌شوند، در اصل نباید جزء ابعاد دینداری محسوب شوند) در پوشش نظری مفهوم دینداری بیان کرد:

عدم جامعیت

۱- اولین اشکال آشکار مدل گلاک و استارک نادیده‌گرفتن احکام و دستورات شرعی و یا به عبارت دیگر شریعت (احکام طهارت و نظافت، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، امر به معروف و نهی از منکر و...) می‌باشد که این خود ناشی از تاثیر آموزه‌های مسیحی و در نتیجه بومی نبودن و یا عدم تطابق با شرایط مذهبی جامعه ایران است.

۲- نقد دیگری که جامعیت مفهومی مدل دینداری گلاک و استارک را زیر سوال می‌برد، فقدان بعد اخلاقیات (صداقت داشتن، غیبت نکردن، صبور بودن و...) در این مدل است. دلایل محذوف بودن این بعد - و تا حدی بعد شریعت - را می‌توان سطره نگرش‌های سکولاریستی، الهیات لیبرال و رهنمودهای فردگرایانه آن دانست که دین و به تبع آن دینداری را دغدغه‌های خصوصی افراد می‌دانند تا متجلی شدن در عرصه اجتماع و تعامل با دیگران و این با ویژگی اخلاقیات مذهبی که در تعاملات با دیگران تحقق می‌یابد کاملاً در تضاد است. بنابراین طبیعی است که آموزه‌های دینی و همچنین دین‌پژوهان غربی که تا حد

زیادی تحت نفوذ نگرش‌های سکولار هستند اخلاقیات را به عنوان بعدی از دین داری برنتابند.

عدم مانعیت

۳- با توجه به اینکه اکثر پژوهش‌های سنجش دینداری در بین دانش‌آموزان و بویژه دانشجویان و در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی اتفاق می‌افتد در اینجا نقدی از موضع عدم مانعیت در تعریف وارد است، اگر سنجش دانش دینی دانشجویان با معرف‌هایی همچون میزان مطالعه دینی، آگاهی و اطلاع از احکام، دستورات و بطور کلی آموزه‌های دینی باشد، این سنجش تا حد زیادی دور از واقعیت خواهد بود، دلایل ما برای این مدعا این است که:

۳-۱- قاعدتاً کار دانشجو مطالعه، نقد و بطور کلی «دانش‌جو بودن» است پس دانش دینی - اش هم می‌تواند یکی از دانش‌هایی باشد که تنها به صرف دانشجو بودنش به آنها رسیده - است نه دیندار بودن!

۳-۲- جامعه ما جامعه‌ای به شدت مذهبی است و مذهب در لایه‌های مختلف آن از خانواده و رسانه گرفته تا محیط‌های آموزش و احیاناً شغلی دولتی رسوخ کرده است. در چنین جامعه‌ای که دانشجو از دوران مدرسه تا دانشگاه تحت تعلیمات دینی اجباری همچون واحدهای درسی معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام و... قرار دارد می‌توان گفت که دانش‌دینی‌اش به شدت تحت تاثیر این درس‌ها قرار دارد و معرف خوبی برای دینداری‌اش نیست و چه بسا دانشجویانی که علی‌رغم داشتن نمره بسیار بالا در این درس در اعتقاد و عمل به آموزه‌های فراگرفته‌شده بسیار ضعیف هستند چون به آنچه دانش دارند، اعتقادی ندارند. پس می‌توان گفت نمره حاصل از سنجش بعد دانش دینی، در واقع نمره تلاش علمی و معلومات دینی دانشجویان است که در فرایند طولانی جامعه‌پذیری مذهبی - از کودکی تا به آن روز - تحت حاکمیت یک نظام دینی کسب کرده‌اند نه بخاطر تعلق خاطر مذهبی و دیندار بودن. البته ناگفته نماند که بطور حتم در بین دانشجویان

کسانی هم هستند که دانش دینی‌شان به خاطر علاقه‌مندی به مسائل مذهبی است و نشانی از دینداریشان می‌باشد که بهتر است برای جلوگیری از ایجاد خطا در سنجش بعد دانش و بویژه بین دانشجویان از آن صرف‌نظر کرد.

هیمل فارب، سراج‌زاده و توکلی نیز با انتقاد به این بعد هر یک به نوعی آن را از گردونه ابعاد دینداری خارج می‌کنند:

سراج‌زاده و توکلی (۱۳۸۰: ۱۷۵) این بعد را در کشورهایی که آموزش دینی جزء آموزش-های اجباری در مدارس است، سنجه مناسبی برای دینداری نمی‌داند.

هیمل فارب (۱۹۷۵: ۶۰۸) نیز به دلیل اینکه دانش افراد به عوامل زیادی به خصوص قدرت حافظه و میزان تحصیلات آنها بستگی دارد، این بعد را معرف مناسبی برای دینداری نمی‌داند.

۴- اشتیاق به خدا، حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به او و از همه مهمتر مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده‌ی خداوند بودن، به عنوان تجربه دینی در نزد گلاک و استارک، پیچیده‌تر، عمیق‌تر و نادرتر از آن هستند که بتوان از آنها به عنوان بعدی از دینداری برای سنجش دینداری افراد عادی از نظر مذهبی از جمله دانشجویان استفاده کرد که به اعتقاد من اگر تجربه دینی را به عنوان بعدی از دینداری در نظر بگیریم در واقع بطور غیر مستقیم اعلام کرده‌ایم حجم نمونه مورد مطالعه، عرفا و مراجع تقلید (دینداران خاص) هستند نه دینداران معمولی.

به اعتقاد هیمل فارب (۱۹۷۵) از عوامل تعیین‌کننده ابعاد دینداری در هر مطالعه‌ای نمونه جمعیت آن تحقیق می‌باشد، بنابراین سؤالی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که چند درصد از افراد عادی همچون دانش‌آموزان، دانشجویان و در کل جوانان و مردم عادی که معمولاً حجم نمونه هستند دارای چنین حالات معنوی خاصی می‌باشند؟ (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۶۴) جواب این سؤال را به خوبی بیان می‌کند: «به نظر می‌رسد که چون مصادیق نادری از اشخاص واجد این صفات وجود دارد، گنجاندن آن در سنجه‌های دینداری که

مطالعه‌ای است عام بر روی «اوساط‌الناس»، چندان کاربردی برای مطالعات دینداری در این سطح نداشته باشد؛ ضمن این که روش‌های خاصی برای سنجش آن لازم است که شاید هنوز ابداع و بکار گرفته نشده باشد.»

جامعه‌شناسی اساساً علمی است درباره‌ی اوساط‌الناس. به علاوه بیت‌هالامی و آرچیل به این جنبه نیز توجه داده‌اند که چون منحنی دینداری هر جامعه، به توزیع نُرمال نزدیک است و اکثریت قریب به اتفاق جمعیت، در وضعیت میانه و در دامنه متعارف و نسبتاً متعارف قرار می‌گیرند، ضرورتی برای پرداختن به مصادیق خاص و نادر دینداری وجود ندارد. (برای تفصیل نگاه کنید به: بیت‌هالامی و آرچیل، ۱۹۷۷: ۳۴-۵) (شجاعی‌زند، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹، ۶۴-۶۳) ایرادات بسیار اساسی به تجربه دینی به عنوان بعدی از دینداری وارد کرده است. شجاعی‌زند بیان می‌کند که پذیرفتن تجربه دینی به عنوان گوهر اصیل دین و مقدم بر عقیده و عمل، تا حد بسیار زیادی می‌تواند دین را از وضع و صورت تاریخی و حیات مؤثرش در جوامع و تمدن‌های بشری و اسلوبی برای زندگی خارج سازد و به یک تعلق خاطر شخصی در اوقات فراغت نوادری از انسان‌ها بدل نماید. به علاوه وی که این تلقی را نخبه‌گرایانه و غیر واقعی می‌داند.

اما تجربه دینی تأییدی از نظر گلاک و استارک - که حس مودت و تأیید به وجود خدا را مطرح می‌کند - را می‌توان مستثنی کرد و نقدهای گفته‌شده را نمی‌توان بر آن رواداشت. این تجربه دینی برخلاف انواع ترغیبی، شیدایی و وحیانی تا حدی قابل سنجش است که به نظر می‌رسد شجاعی‌زند آن را تحت عنوان نه تجربه دینی، بلکه ایمانیات، در کنار سایر موارد معرف مؤمن بودن، مورد سنجش قرار داده‌است که در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد.

مدل دینداری شجاعی‌زند (۱۳۸۴)

علیرضا شجاعی‌زند، پس از نقد مدل‌های مختلف غربی از دینداری، مدلی را برای دینداری معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد بیشتر با آموزه‌های دین اسلام و شرایط مذهبی جامعه ایران تطابق داشته‌باشد. وی معتقد است که مدل‌های غربی همگی در دو ویژگی: ۱- ملهم

بودن از آموزه‌های مسیحی و ۲- متأثر شدن از فرایندهای تاریخی - اجتماعی غرب مشترک هستند و وجود همین دو ویژگی، امکان بهره‌برداری از این مدل‌ها را در بسترهای دینی و اجتماعی مغایر، دشوار ساخته؛ هرچند مانع از انجام برخی تمرینات در مطالعه دینداری با استفاده از سنجه‌های مشهورتر آنان نگردیده است. (همان: ۳۴) به اعتقاد وی ویژگی‌های یادشده از مدل‌های غربی ما را نیازمند به داشتن مدلی بومی برای سنجش دینداری در جامعه ایران - که شرایط تاریخی-دینی بسیار متفاوت با غرب و آموزه‌های مسیحیت دارد - می‌کند. (همان: ۳۵)

قبل از پرداختن به خود مدل، ابتدا مروری بر پیش‌فرض‌ها و یا پایه‌های معرفتی مورد نظر شجاعی‌زند برای ارائه مدل دینداری، ضروریست:

۱- دین، برای انسان است؛ لذا نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعاد فراتر از ابعاد وجودی انسان باشد.

۲- با توجه به آرای اجماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان و شایع‌ترین الگوی انسان‌شناختی، انسان دارای سه بعد وجودی ذهن، روان و تن می‌باشد.

۳- با تأمل در فحوای ادیان و آموزه‌ها و تعالیم آنها، سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری (عملی و ارادی)» در آن‌ها قابل تشخیص است.

۴- صور ترکیب شده این سه جنبه، وجوه دیگری از دین را عرضه می‌دارد که عبارتند از: «عقیده»، «ایمان»، «عبادت»، «اخلاق» و «شریعت» که هر کدام در یک یا دو وجه از ابعاد وجودی انسان و دین ریشه دارند.

بنابراین، دینداری را نیز اگر تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیل یافته‌اش، یعنی عقیده و ایمان و عبادت و اخلاق و شریعت دنبال کنیم، با ابعاد پنجگانه زیر می‌توان شناخت:

معتقدبودن، مؤمن‌بودن، اهل عبادت‌بودن، اخلاقی عمل‌کردن، متشرع‌بودن.

شجاعی‌زند در مدل پیشنهادی خود علاوه بر ابعاد دینداری که حداقل‌های مذهبی بودن هستند به نشانه‌ها و پیامدهای دینداری نیز اشاره دارد. در مدل وی اعتقاد و ایمان به عنوان دو بعد از دینداری از هم تفکیک شده‌اند و همچنین اخلاقیات و شریعت - به عنوان مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح (مستنبط) دینی - به عنوان دو بعد از دینداری شناخته شده‌اند. این دو بعد مغفول مدل گلاک و استارک بودند.

در مدل مذکور تجربه دینی (اهل معنا بودن) همراه با دیگر پیامدهای دینداری - به عنوان آثار عمیق دینداری - از نشانه‌ها و هر دو از ابعاد دینداری جدا در نظر گرفته شده‌اند. همان طور که قبلاً گفته شده بود به اعتقاد بسیاری از دین پژوهان پیامدهای دینداری، آثار و نتایج سایر ابعاد آن در زندگی افراد است نه از ابعاد دینداری. نشانه‌های دینداری جزء ابعاد و اجزای درونی آن نیستند بلکه شواهد و قراینی بر دیندار بودن فرد هستند.

جدول شماره (۲) مدل دین داری شجاعی‌زند (اصلاح شده، ۱۳۸۶)

ابعاد وجودی انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پی‌آمدهای دینداری
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی
	معرفتی / عاطفی	ایمانیات	مومن بودن		اهل معنا
روان	عاطفی/عملی	عبادیات	اهل عبادت بودن		عابد
			انجام فردی عبادت	انجام جمعی عبادت	
تن	ارادی	ایمانیات	اخلاقی عمل کردن		متخلق

متمنی	داشتن ظاهر دینی	عمل به تکالیف فردی	متشرع بودن	شرعیات	عملی
	ابراز هویت دینی				
	داشتن اهتمام شعائری	عمل به تکالیف جمعی			
	داشتن مشارکت دینی				
	داشتن معاشرت دینی				
	اهتمام دینی در خانواده				
	در تعاملات اجتماعی				
	در معاملات اقتصادی				

نقاط قوت و ضعف مدل شجاعی زند

۱. در مدل شجاعی زند بعد ایمان و اعتقاد از هم جدا شده است. در حالی که در مدل‌های غربی از جمله مدل گلاک و استارک این دو بعد یکی در نظر گرفته شده است. در مدل‌های غربی از ترکیب ایمان و اعتقاد یا به عنوان «راستکیشی» و یا به عنوان «تجربه دینی» یاد شده است.
۲. قرار دادن شرعیات و اخلاقیات به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته‌شده محذوف و مغفول بود.
۳. از دیگر نقاط قوت این مدل، خارج کردن دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری و قرار دادن آنها در ستون نشانه‌ها و پی‌آمدهاست.
۴. بومی‌بودن مدل، انطباق بیشتر آن با آموزه‌های دین اسلام و شرایط مذهبی جامعه ایران از دیگر جنبه‌های مثبت آن می‌باشد.

۵. پیامدهای دینداری همچون اهل معنا (تجربه‌دینی) بودن، متخلق بودن، متقی بودن و... در این مدل به دلیل پیچیدگی، عمیق بودن و به عبارت دیگر وجه کیفی بسیار بالا، با ابزارهای سنجش کمی همچون پرسشنامه امروزه قابل سنجش نیستند.

۶. این مدل تنها از وجه نظری و یا مفهومی بسیار بالایی برخوردار است و برخلاف سایر مدل‌های دینداری غربی کار پژوهشی کمی بسیار کمی در رابطه با آن صورت گرفته تا در واقعیت کاستی‌ها و نقاط قوت خود را بیشتر نشان دهد.

۷. انتقاد دیگر که اکثر مدل‌های دینداری را شامل می‌شود این است که اساساً این مدل‌ها به مفهوم دگرگون شده امروز دینداری کمتر توجه کرده‌اند. آنچه در این مدل‌ها، اصل است، تظاهرات بیرونی دیندار بودن و نه جنبه باطنی آن است. در این مدل‌ها، غالباً چند پرسش برای سنجش یک بعد مانند عقیده، طرح می‌شود و این بعد با تمام گستردگی، به چنین پرسش‌های محدودی تقلیل داده می‌شود. درحالی که فردی ممکن است خود را دیندار بداند، اما باورهایش یا جنبه رفتاری دینداری‌اش در چند مقوله موردنظر محقق، محدود نماند. واقعیت این است که مدل‌های دینداری امروز، معرف انواع دینداری و نه ابعاد آن هستند، فردی ممکن است به مسجد برود، نماز بخواند، در مراسم دعا و عزاداری شرکت کند و در مفهوم سنتی (کلاسیک)، دیندار نامیده شود، درحالی که مفاهیم یاد شده بخش کوچکی از مفهوم عمیق دینداری است. به همین دلیل مدل‌های دینداری با مشکل کمی-سازي همه ابعاد دینداری- مخصوصاً جنبه باطنی آن - روبه‌رو هستند. در این تحقیق سعی نموده‌ایم تا حد ممکن براین نقیصه فائق آییم.

انتخاب مدل مناسب

همان‌طور که در بخش «نقاط قوت و نقاط قوت و ضعف مدل شجاعی زند» شرح داده بودیم، مؤمن بودن، متشرع بودن و اخلاقی عمل کردن به عنوان سه بعد از دینداری که مورد تاکید آموزه‌های اسلامی می‌باشند در مدل گلاک و استارک وجود نداشت. در حالی که مدل شجاعی‌زند حاوی این ابعاد است که نشان از جامعیت این مدل، در پوشش مفهومی دینداری

می‌باشد. از طرفی وجه اشتراک این دو مدل در دو بعد اعتقادات (مربوط به مدل شجاعی زند) و باور (مربوط به مدل گلاک و استارک)، و عبادیات (مربوط به مدل شجاعی زند) و عمل (مربوط به مدل گلاک و استارک) می‌باشد.

اگر تصور کنیم که بعد تجربه دینی در مدل گلاک و استارک همان بعد ایمانیات در مدل شجاعی زند می‌باشد، کاملاً به خطا رفته‌ایم. شجاعی زند (۱۳۸۴) براساس آموزه‌های اسلامی، «عقیده» را محتوای نظری یک آیین می‌داند که ناظر به موضوعات بنیادین هستی-شناختی و مسائل غایی حیات است و «ایمان» را شدت تعلق و عمق دل‌بستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا معرفی می‌کند این در حالی است که گلاک و استارک تجربه دینی را اشتیاق به خدا، حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به او و از همه مهم‌تر مورد بودن تعریف می‌کنند. تجربه دینی بدین خداوند فرستاده و کارگزار و شدن واقع خدا اعتماد معنا در مدل شجاعی زند نه تنها ذیل ایمان قرار نمی‌گیرد بلکه پی‌آمد عمیق، پیچیده و نادری از ایمان و سایر ابعاد دینداری است برای افراد نادر یا به بیان ویلیام جیمز (۱۹۸۲) «مردان دینی فوق‌العاده».^۱ (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴)

برای روشن شدن رابطه ایمان و تجربه دینی، کن ویلبر (۱۹۸۳: ۷۴-۶۵) به نقل از شجاعی‌زند (۱۳۸۷) بیان روشن‌گری دارد که مؤید مطالب گفته‌شده در بالاست، برخلاف غالب دین‌پژوهان متأخر غربی، وی تفاوت میان «باور»، «ایمان» و «تجربه دینی» را به درستی تشخیص داده است، اما از آن‌ها نه به عنوان وجوه، بلکه گونه‌های تدین یاد کرده است که از حیث درجه و میزان «درگیرشدن دینی»^۲ به ترتیب فزونی گرفته و تعمیق یافته‌اند. او معتقد است که آن‌ها همچون دوایر تو در تو، دربردارنده هم نیستند، بلکه مراحل متکاملی از دینداری‌اند که الزاماً مقوم و مکمل هم نیز نمی‌باشند:

ناگفته نماند که تجربه دینی تأییدی از نظر گلاک و استارک - که حس مودت و تأیید به وجود خدا را مطرح می‌کند - را می‌توان مستثنی کرد. به نظر می‌رسد این تجربه دینی برخلاف انواع ترغیبی، شیدایی و وحیانی، بین دینداران معمولی و یا عامه مردم می‌تواند عمومیت داشته باشد و تا حدی قابل سنجش است که ما آن را تحت عنوان نه تجربه دینی، بلکه ایمانیات، در کنار سایر موارد معرف مؤمن بودن، قرار می‌دهیم.

بنابراین می‌توان بجای تجربه دینی از بعد ایمان به عنوان سطحی پایین‌تر از آن و موجود در بین عموم مردم استفاده کرد. بعد دانش دینی گلاک و استارک به دلایل گفته شده در نقد و بررسی مدل‌شان، قابل استفاده نیست.^۱ بدین ترتیب در این تحقیق مدل دینداری مناسب تقریباً مدل پیشنهادی شجاعی‌زند با قابلیت سنجش حداقل‌های دینداری (در سطح ابعاد) خواهد بود که دلایل برتری آن از مدل گلاک و استارک در این مطالعه از توضیحات داده شده در بالا به وضوح پیداست اما به جهت جمع‌بندی مطالب، در پایین به طور خلاصه به دلایل انتخاب آن اشاره می‌کنیم:

۱. جامعیت مدل در پوشش مفهومی دینداری که البته خود بدلیل بومی بودن آن و بتبع تطابق بیشتر آن با آموزه‌های اسلامی و شرایط تاریخی - مذهبی جامعه ایران نسبت به مدل گلاک و استارک. در این مدل شرعیات، اخلاقیات و ایمان به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری - که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته شده محذوف و مغفول بود - گنجانده شده است.

۲. مانعیت مدل در پوشش مفهومی دینداری. در این مدل دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری - به دلایل گفته شده - خارج شده و در ستون نشانه‌ها و پیامدها قرار گرفته‌اند. همچنین بین ایمان به عنوان بعدی از دینداری و تجربه دینی به عنوان پیامد دین داری تفاوت وجود دارد. با این وجود بعد ایمان که شدت تعلق و عمق دلبستگی و میزان اعتماد و

^۱ برای آگاهی از انتقادات وارده به دانش دینی، به عنوان بعدی از دینداری رجوع کنید به ص ۱۰-۸، هیمل فارب (۱۹۷۵: ۶۰۸) و سراج‌زاده و توکلی (۱۳۸۰، ۱۷۵)

اتکا به محتوای نظری یک آیین (اعتقادات) می باشد، همچون پیامدهای دینداری، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه قابل سنجش نیست بلکه نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است؛ بنابراین بعد ایمان نیز بدلیل محدودیت روش- شناختی، علی رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دینداری افراد، کنار گذاشته می شود.

جدول شماره (۳) ابعاد دین داری قابل سنجش در مدل شجاعی زند

ابعاد دینداری	
معتقد بودن	
انجام فردی عبادت	اهل عبادت بودن
انجام جمعی عبادت	
اخلاقی عمل کردن	
عمل به تکالیف فردی	متشرع بودن
عمل به تکالیف جمعی	

روش تحقیق

روش این مطالعه توصیفی - پیمایشی و اکتشافی بوده و از استدلال قیاسی و منطقی در انتخاب مدل دین داری مناسب برای سنجش دین داری در دو دانشگاه نظامی استفاده کرده و از ابزار پرسشنامه به منظور جمع آوری داده ها بهره جستیم. به این ترتیب که از پاسخ-گویان خواستیم که نظر خود را در مورد هریک از گویه ها بر روی یک طیف ۵ درجه ای از نوع لیکرت («کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» و یا «همیشه (و یا حداقل روزی یک بار، تقریباً هر روز، هر هفته و یا بندرت)» تا «هرگز (و یا اصلاً و من اصلاً آن عبادت را به جای نمی آورم)») اعلان کنند. تجزیه و تحلیل داده ها، به کمک نرم افزار SPSS انجام گرفت. در سطح توصیفی از میانگین، جداول یک بعدی توزیع فراوانی نسبی و مطلق استفاده شد.

تعریف مفاهیم

الف) اعتقادات

تعریف نظری: اعتقادات محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی-شناختی و مسائل غایی حیات است. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴) تعریف عملی: باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان دین اسلام، بدان‌ها اعتقاد داشته‌باشند. (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰) در این تحقیق سه باور اعتقاد به کفایت دین، شفاعت ائمه، حیات بعد از مرگ و حسابرسی در دنیای دیگر مورد سوال واقع شدند.

ب) عبادیات

تعریف نظری: منظور از عبادات، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد. عبادت می‌تواند به صورت فردی^۱ جمعی^۲ و در خلوت یا جلوت اجرا شود. تعریف عملی: عبادات فردی شامل نماز، تلاوت قرآن و روزه مستحبی و عبادات جمعی یا مناسک شامل نماز جماعت، نماز جمعه، اعتکاف و دعا در شب-های احیاء می‌باشد. (با اقتباس از شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۹، میرزائی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶)

پ) اخلاق

تواصی و نواهی دینی مربوط به حوزه نیکویی‌شناسی را «اخلاق» می‌گویند و آن به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود. تعریف عملی: منظور این است که فرد در موقعیت عمل چه رفتاری انجام می‌دهد. عمل اخلاقی مورد نظر در این مدل عبارت است از دروغ نگفتن، غیبت نکردن و بخشش و گذشت. (همان)

ت) شرعیات

^۱ Devotional

^۲ Ritual

تعریف نظری: شریعت، مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیرصریح دینی است که در اسلام به عنوان فقه - در صورتی که دستورالعمل‌های عبادی را از آن جدا کنیم - خوانده می‌شود. شرعیات مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند. تعریف عملی: مجموعه تکالیفی است که خداوند آن‌ها را حرام، مکروه، واجب و مستحب و حلال کرده‌است و فرد مسلمان ملزم به رعایت آنهاست. این بعد به دو بخش تکالیف فردی و جمعی قابل تقسیم است. تکالیف فردی در این پژوهش شامل ظاهر دینی، وضعیت ارتباط با نامحرم و تقلید می‌باشد و تکالیف جمعی نیز شامل ازدواج، تعاملات، شرکت در مجالس عزاداری و سرور و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. (همان)

اعتبار

برای بررسی اعتبار گویه‌ها به دو شیوه مراجعه به تحقیقات پیشین (دلبری، ۱۳۸۳؛ حبیب-زاده، ۱۳۸۴؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۴؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۰؛ پویافر، ۱۳۸۶، میرزائی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶) و اعتبار صوری -بدین ترتیب که با مراجعه به متخصصین امر و حذف و تغییر برخی گویه‌ها، پیرو نظر ایشان، سعی کردیم اعتبار گویه‌ها را افزایش دهیم - عمل شده‌است. (ساروخانی، ۱۳۸۳)

پایایی

برای بررسی پایایی گویه‌ها از روش پایداری درونی (آلفای کرونباخ) استفاده‌شد. آلفای کرونباخ سنجه‌ها برابر با ۰/۹۰ است که نشان دهنده پایایی بالای سنجه‌ها می‌باشد.

واحد تحلیل و مشاهده در این تحقیق فرد است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۷-۹۸ می‌باشد. مقطع تحصیلی این دانشجویان کارشناسی می‌باشد. برای تعیین

حجم نمونه از فرمول آماری $n = \frac{t^2 pq}{d^2}$ (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸) استفاده کردیم که با

ملحوظ داشتن $p = 0/8$ ، $t = 1/96$ و $d = 0/05$ حجم نمونه ۲۴۶ نفر حاصل شد که به

جهت قدرت تعمیم‌دهی بیشتر تا ۲۷۰ نفر افزایش دادیم. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده استفاده شده است.

جدول شماره (۴) مدل دینداری تحقیق به همراه گویه‌ها

ابعاد دینداری	گویه‌ها
معتقد بودن	۱- پیام قرآن جاودانه‌است و برای انسان در تمام اعصار کفایت می‌کند.
	۲- به شفاعت ائمه در حق شیعیان باور دارم.
	۳- به دنیای دیگر و رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم اعتقاد دارم.
اهل عبادت بودن	۴- آیا نماز می‌خوانید؟
	۵- چقدر امکان دارد که نماز صبح شما قضا شود؟
	۶- چقدر قرآن می‌خوانید؟
	۷- آیا اهل روزه مستحبی هستید؟
	۸- هرچند وقت یک بار در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟
	۹- هرچند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
	۱۰- تا چه حد اهل شرکت در مراسم اعتکاف هستید؟
انجام فردی عبادت	۱۱- تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب‌های احیا در ماه رمضان هستید؟
	۱۲- در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستم.
انجام جمعی عبادت	۱۳- از شنیدن غیبت دیگران پرهیز دارم.
	۱۴- تا چه حد از خطای دیگران در حق خود درمی‌گذرید؟
اخلاقی عمل کردن	۱۵- آیا در تشخیص و انجام تکالیف دینی اهل تقلید هستید؟
	۱۶- دست دادن با نامحرم از نظر من ایرادی ندارد.
	۱۷- استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد.
	۱۸- من ریش خود را هیچگاه با تیغ نمی‌زنم.
	۱۹- در صورت اقتضای شرایط، اهل امر به معروف و نهی از منکر هستیم.
	۲۰- با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.
متشرع بودن	۲۱- در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم.
	۲۲- تا چه حد در جلسات عزاداری و سرور و یا هیئات مذهبی شرکت می‌کنید؟

یافته‌های توصیفی پژوهش

در این قسمت نمره دین داری کلی که مجموع نمرات در ابعاد دین داری است در سه سطح پایین، متوسط و بالا از نمره ۱ تا ۳ رتبه‌بندی شده است و نمره ابعاد دین داری که مجموع نمرات در گویه‌های مربوط به هر بعد است، از ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شده است.

جدول شماره (۵) وضعیت دینداری کلی و ابعاد آن در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)

انحراف معیار	میانگین از ۳	کل		پایین		متوسط		بالا		ابعاد دینداری
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۲۰	۲/۹۶	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۴	۶	۹۶	۱۴۴	اعتقادات
۰/۵۱	۲/۶۲	۱۰۰/۰	۱۵۰	۱/۳	۲	۳۴/۷	۵۲	۶۴	۹۶	عبادیات
۰/۵۶	۲/۴۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۳/۳	۵	۵۲	۷۸	۴۴/۷	۶۷	اخلاقیات
۰/۳۹	۲/۸۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۱۸/۷	۲۸	۸۱/۳	۱۲۲	شرعیات
۰/۳۹	۲/۸۱	۱۰۰/۰	۱۵۰	۰	۰	۱۸/۷	۲۸	۸۱/۳	۱۲۲	دینداری کلی

جدول شماره (۶) وضعیت دینداری کلی و ابعاد آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی

انحراف معیار	میانگین از ۳	کل		پایین		متوسط		بالا		ابعاد دینداری
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۲۰	۲/۹۶	۱۰۰/۰	۱۲۰	۰	۰	۴/۲	۵	۹۵/۸	۱۱۵	اعتقادات
۰/۵۳	۲/۵۳	۱۰۰/۰	۱۲۰	۱/۷	۲	۴۴/۲	۵۳	۵۴/۲	۶۵	عبادیات
۰/۵۵	۲/۳۹	۱۰۰/۰	۱۲۰	۳/۳	۴	۵۴/۲	۶۵	۴۲/۵	۵۱	اخلاقیات
۰/۴۴	۲/۷۴	۱۰۰/۰	۱۲۰	۰	۰	۲۵/۸	۳۱	۷۴/۲	۸۹	شرعیات
۰/۵۰	۲/۵۵	۱۰۰/۰	۱۲۰	۰	۰	۴۵	۶۶	۵۵	۵۴	دینداری کلی

بینی دانشجویان هر دو دانشگاه

را می‌توان در حد مساوی و بسیار بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۲/۹۶ از ۳)، به طوری که اکثریت دانشجویان (۹۶ درصد دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۹۵/۸ درصد دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) دارای باور دینی قوی بوده و تعداد کمی از آن‌ها دارای باور دینی متوسط بوده (۴ درصد دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۴/۲ درصد دانشجویان دانشگاه علوم جدول شماره (۷) وضعیت پاسخ به گویه‌های اعتقادات در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)

انتظامی) و دانشجویان با باور دینی ضعیف موجود نمی‌باشند. پایبندی دانشجویان هر دو دانشگاه به اخلاقیات در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر می‌باشد. (میانگین ۲/۴۱ از ۳ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۲/۳۹ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) نمره پایبندی به عبادیات و شریعات دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ و دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی به ترتیب برابر ۲/۵۳ و ۲/۷۴ می‌باشد که نشان دهنده پایبندی بیشتر دانشجویان به این دو بعد نسبت به بعد اخلاقیات است.

بر اساس جداول ۷ و ۸ بالاترین و پایین‌ترین نمره در بعد اعتقادات در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)، به ترتیب مربوط به اعتقاد به دنیای دیگر-حسابرسی بعد از مرگ و

گویه‌ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین از ۵	انحراف معیار	کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			درصد	فراوانی
۱- پیام قرآن جاودانه‌است و برای انسان در تمام اعصار کفایت می‌کند.	۹۸/۴	۱۱۸	۰/۸	۱	۰/۸	۱	۴/۹۰	۰/۴۵	۱۲۰	۱۰۰/۰
۲- به شفاعت ائمه در حق شیعیان باور دارم.	۹۱/۶	۱۱۰	۶/۷	۸	۱/۷	۲	۴/۶۷	۰/۷۵	۱۲۰	۱۰۰/۰
۳- به دنیای دیگر و رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم اعتقاد دارم.	۹۹/۲	۱۱۹	۰/۸	۱	۰	۰	۴/۸۷	۰/۳۶	۱۲۰	۱۰۰/۰

توحید با نمره ۴/۸۹ و ۴/۸۴ از ۵ می باشد و در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی عکس موارد یاد شده است یعنی بالاترین نمره مربوط به توحید و پایین ترین نمره به ترتیب مربوط به اعتقاد به دنیای دیگر-حسابرسی بعد از مرگ با نمره ۴/۹۰ و ۴/۸۷ می باشد.

جدول شماره (۹) وضعیت پاسخ به گویه های عبادیات در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)

گویه ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین از ۵	انحراف معیار	کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			درصد	فراوانی
۱- آیا نماز می خوانید؟	۹۰/۶	۱۳۶	۸/۷	۱	۰/۷	۱	۴/۴۳	۸۶۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۲- چقدر امکان دارد که نماز صبح شما قضا شود؟	۹۲	۱۳۸	۷/۳	۱۱	۰/۷	۱	۴/۴۶	۶۶۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۳- هرچند وقت یک بار در نماز جماعت شرکت می کنید؟	۹۱/۳	۱۳۷	۴	۶	۴/۷	۷	۴/۵۳	۸۳۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۴- هرچند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می کنید؟	۱۹/۴	۲۹	۴۶	۶۹	۳۴/۶	۵۲	۲/۸۵	۹۶۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۵- چقدر قرآن می خوانید؟	۶۴	۹۶	۳۲	۴۸	۴	۶	۳/۹۲	۸۹۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۶- آیا اهل روزه مستحبی هستید؟	۲۵/۳	۳۸	۴۷/۳	۷۱	۲۷/۴	۴۱	۳/۰۱	۹۴۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰
۷- تا چه حد اهل شرکت در مراسم اعتکاف هستید؟	۲۸	۴۲	۳۶	۵۴	۳۶	۵۴	۲/۹۷	۱۴/۱	۱۵۰	۱۰۰/۰
۸- تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب های احیا در	۸۷/۳	۱۳۱	۱۱/۳	۱۷	۱/۴	۲	۴/۴۹	۷۷۰/	۱۵۰	۱۰۰/۰

										ماه رمضان هستید؟
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	---------------------

جدول شماره (۱۰) وضعیت پاسخ به گویه‌های عبادیات در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی

کل	انحراف معیار	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه ها	
			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۱۲۰	۰/۸۱	۴/۲۷	۱/۶	۲	۱۵	۱۸	۸۳/۳	۱۰۰	۱- آیا نماز می خوانید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۰/۷۸	۴/۲۸	۲/۵	۳	۱۰	۱۲	۸۷/۵	۱۰۵	۲- چقدر امکان دارد که نماز صبح شما قضا شود؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۶۸۰/۱	۴/۹۴	۵	۶	۲۲/۵	۲۷	۷۲/۵	۸۷	۳- هرچند وقت یک بار در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۹۶۰/۱	۲/۳۸	۵۴/۲	۶۵	۳۵	۴۲	۱۰/۹	۱۳	۴- هرچند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۲۸۰/۱	۳/۴۳	۱۰	۱۲	۴۸/۳	۵۸	۴۱/۶	۵۰	۵- چقدر قرآن می‌خوانید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۹۹۰/۱	۲/۹۴	۳۰	۳۶	۴۷/۵	۵۷	۲۲/۵	۲۷	۶- آیا اهل روزه مستحبی هستید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	/۰۳۱	۳/۰۵	۲۸/۴	۳۴	۴۰	۴۸	۳۱/۶	۳۸	۷- تا چه حد اهل شرکت در مراسم اعتکاف

هستید؟										
۱۰۰/۰	۱۲۰	۰/۹۸	۴/۰۸	۵/۸	۷	۱۶/۷	۲۰	۷۷/۵	۹۳	۸- تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب های احیا در ماه رمضان هستید؟

بر اساس جداول ۹ و ۱۰ کمترین میزان پایبندی در بعد عبادیات در بین دانشجویان هر دو دانشگاه مربوط به شرکت در نماز جمعه و بیشترین مربوط به شرکت در نماز جماعت به ترتیب با نمرات ۲/۸۵ و ۴/۵۳ از ۵ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۲/۳۸ و ۴/۹۴ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی می باشد.

جدول شماره (۱۱) وضعیت پاسخ به گویه های اخلاقیات در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع)

گویه ها		بالا	متوسط	پایین	میانگین از ۵	انحراف معیار	کل		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱- در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستم.	۷۹	۵۲/۷	۵۸	۳۸/۷	۱۳	۸/۶	۳/۵۶	۰/۴۹	۱۵۰
۲- از شنیدن غیبت دیگران پرهیز دارم.	۹۸	۶۵/۳	۳۶	۲۴	۱۶	۱۰/۷	۳/۸۱	۰/۹۹	۱۵۰
۳- تا چه حد از خطای دیگران در حق خود درمی گذرید؟	۱۱۲	۷۶	۲۷	۱۸	۹	۶	۴/۸۹	۰/۵۸	۱۵۰

جدول شماره (۱۲) وضعیت پاسخ به گویه‌های اخلاقیات در بین دانشجویان دانشگاه علوم
انتظامی

کل		انحراف معیار	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه ها
درصد	فراوانی			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰/۰	۱۲۰	۱/۱۶	۳/۵۲	۲۰	۲۴	۳۰	۳۶	۵۰	۶۰	۱- در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستیم.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۱۹۰/۰	۳/۸۳	۱۰/۸	۱۳	۱۸/۳	۲۲	۷۰/۸	۸۵	۲- از شنیدن غیبت دیگران پرهیز دارم.

کل		انحراف معیار	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه ها
درصد	فراوانی			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰/۰	۱۵۰	۰/۴۳	۴/۸۴	۰	۰	۲/۷	۴	۹۷/۳	۱۴۶	۱- پیام قرآن جاودانه‌است و برای انسان در تمام اعصار کفایت می‌کند.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۰/۶۵	۴/۷۷	۱/۳	۲	۲/۷	۴	۹۶	۱۴۴	۲- به شفاعت ائمه در حق شیعیان باور دارم.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۰/۴۱	۴/۸۹	۰	۰	۳/۳	۵	۹۶/۷	۱۴۵	۳- به دنیای دیگر و رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم اعتقاد دارم.

۱۰۰/۰	۱۲۰	۲۸۰/۱	۳/۸۷	۳/۴	۴	۲۵/۸	۳۱	۷۰/۸	۸۵	۳- تا چه حد از خطای دیگران در حق خود درمی‌گذرید؟
-------	-----	-------	------	-----	---	------	----	------	----	--

بر اساس جداول ۱۱ و ۱۲ بیشترین و کمترین التزام به اعمال اخلاقی در بین دانشجویان هر دو دانشگاه به ترتیب مربوط به گذشت و دروغ نگفتن می‌باشد. (۴/۸۹ و ۳/۵۶ از ۵ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۳/۸۷ و ۳/۵۲ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی)

جدول شماره (۱۳) وضعیت پاسخ به گویه‌های شرعیات در بین دانشجویان دانشگاه امام علی

(ع)

کل	انحراف معیار	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه‌ها	
			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۱۵۰	۰/۸۸	۴/۵۵	۲/۷	۴	۱۵/۳	۲۳	۸۲	۱۲۳	۱- در صورت اقتضای شرایط، اهل امر به معروف و نهی از منکر هستیم.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۲/۱	۳/۷۹	۱۰	۱۵	۲۸/۷	۴۳	۶۱/۳	۹۲	۲- با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۶۳۰/۱	۴/۶۵	۰/۷	۱	۶/۷	۱۰	۹۲/۶	۱۳۹	۳- در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی

										اهمیت زیادی می‌دهم.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۷۹۰/	۴/۱۳	۲/۷	۴	۱۵/۳	۲۳	۸۲	۱۲۳	۴- تا چه حد در جلسات عزاداری و سرور و یا هیئات مذهبی شرکت می‌کنید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۹۱۰/	۴/۲۹	۴/۷	۷	۱۱/۳	۱۷	۸۴	۱۲۶	۵- آیا در تشخیص و انجام تکالیف دینی اهل تقلید هستید؟
۱۰۰/۰	۱۵۰	۹۹۰/	۴/۳۳	۶	۹	۱۱/۳	۱۷	۸۲/۷	۱۲۴	۶- دست دادن با نامحرم از نظر من ایرادی ندارد.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۹۴۰/	۴/۳۳	۴/۷	۷	۱۳/۳	۲۰	۸۲	۱۲۳	۷- استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد.
۱۰۰/۰	۱۵۰	۱/۳۲	۳/۵۴	۲۲/۷	۳۴	۲۴/۷	۳۷	۵۲/۶	۷۹	۸- من ریش خود را هیچگاه با تیغ نمی‌زنم.

جدول شماره (۱۴) وضعیت پاسخ به گویه‌های شرعیات در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی

کل	انحراف معیار	میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه‌ها	
			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۱۲۰	۳۸۰/۱	۴/۲۱	۲/۵	۳	۱۸/۳	۲۲	۷۹/۲	۹۵	۱- در صورت اقتضای شرایط، اهل امر به معروف و نهی از منکر هستیم.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۶۱/۱	۳/۷۴	۱۲/۵	۱۵	۳۰	۳۶	۵۷/۵	۶۹	۲- با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۰/۸۳	۴/۴۵	۲/۵	۳	۹/۲	۱۱	۸۸/۳	۱۰۶	۳- در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۰/۸۹	۳/۸۰	۵/۹	۷	۲۹/۲	۳۵	۶۵	۷۸	۴- تا چه حد در جلسات عزاداری و سرور و یا هیئات مذهبی شرکت می‌کنید؟

۱۰۰/۰	۱۲۰	۲۹۰/۱	۴/۲۱	۶/۶	۸	۱۱/۷	۱۴	۸۱/۷	۹۸	۵- آیا در تشخیص و انجام تکالیف دینی اهل تقلید هستید؟
۱۰۰/۰	۱۲۰	۱/۲۳	۴/۰۴	۱۲/۵	۱۵	۱۷/۵	۲۱	۷۰	۸۴	۶- دست دادن با نامحرم از نظر من ایرادی ندارد.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۱/۲۳	۴/۰۷	۱۵	۱۸	۱۲/۵	۱۵	۸۷	۷۲/۵	۷- استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد.
۱۰۰/۰	۱۲۰	۱/۴۱	۳/۲۷	۳۰/۸	۳۷	۲۵	۳۰	۴۴/۱	۵۳	۸- من ریش خود را هیچگاه باتیغ نمی‌زنم.

بر اساس جداول ۱۳ و ۱۴ در بعد شرعیات بالاترین نمره در بین دانشجویان هر دو دانشگاه مربوط به ملاک انتخاب همسر (۴/۶۵ از ۵ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۴/۴۵ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) و کمترین نمره مربوط به اصلاح نکردن ریش با تیغ (۳/۵۴ از ۵ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۳/۲۷ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مساله این تحقیق از ضعف تحقیقات حوزه جامعه‌شناسی دین در فقدان ملی بومی و منطبق با فرهنگ دینی جامعه ایران نشأت گرفته است و همچنین دغدغه اثربخشی آموزشهای دینی دانشگاه امام علی (ع) در ارتقاء دینداری دانشجویان از دلایل شکل‌گیری بعد دیگری از مساله این تحقیق است. این تحقیق به دنبال پاسخ این سوالات بود: کدام مدل از بین مدل‌های مختلف دینداری با شرایط تاریخی و دینی جامعه ایران مناسبتر است؟ و وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی بطور کلی و نسبت به هم چگونه است؟ بنابراین اهداف تحقیق عبارت بود از: ۱- معرفی یک الگو یا مدل منسجم از دین‌داری از طریق نقد و بررسی و مقایسه دو مدل دین‌داری گلاک و استارک و شجاعی‌زند است به طوری که مدل انتخاب شده بیشترین تطابق را نیز با فرهنگ دینی جامعه ایران داشته‌باشد. ۲- سنجش مقایسه‌ای میزان دینداری دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) و دانشگاه علوم انتظامی. هیچکدام از ادبیات تحقیق ادبیات تحقیق (سید حسین سراجزاده و مهناز توکلی (۱۳۸۰)، شجاعی‌زند (۱۳۸۴)، محمد رضا پویافر (۱۳۸۶)، رضا محبوبی (۱۳۹۴) حسین شجاعی‌زند و علیرضا شجاعی‌زند (۱۳۹۵)) مدلی بومی برای سنجش دینداری ارائه ندادند و یا به صورت مبسوط و مستدل مدل گلاک و استارک را که مشهورترین مدل جهت سنجش دین‌داری است را مورد نقد و بررسی قرار ندادند. این تحقیق با روش پیمایشی و اکتشافی در جهت رسیدن به پاسخ سوالات تحقیق حرکت کرد. بنا بر استدلالات منطقی زیر مدل مناسب برای سنجش دینداری در جامعه ایران مدل پیشنهادی شجاعی‌زند با قابلیت سنجش حداقل‌های دینداری (در سطح ابعاد) خواهد بود که در ادامه دلایل برتری آن از مدل گلاک و استارک به طور خلاصه بیان می‌شود:

۱. جامعیت مدل در پوشش مفهومی دینداری، در این مدل شرعیات، اخلاقیات و ایمان به عنوان بعدی از دین و به تبع آن دینداری - که در مدل گلاک و استارک به دلایل گفته‌شده محذوف و مغفول بود - گنجانده شده‌است.

۲. مانعیت مدل در پوشش مفهومی دینداری، در این مدل دانش دینی و تجربه دینی از ابعاد دینداری - به دلایل گفته‌شده - خارج شده و در ستون نشانه‌ها و پیامدها قرار گرفته‌اند.

همچنین بین ایمان به عنوان بعدی از دینداری و تجربه دینی به عنوان پیامد دین داری تفاوت وجود دارد. اما با این وجود بعد ایمان همچون پیامدهای دین داری، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه قابل سنجش نیست بلکه نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است؛ بنابراین بعد ایمان نیز به دلیل محدودیت روش شناختی، علی‌رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دین داری افراد، کنار گذاشته شده است.

در بخش عملیاتی کردن مفاهیم و سنجش میزان دین داری، نتایج تحقیق باور دینی دانشجویان هر دو دانشگاه را قوی نشان می‌دهد. (میانگین ۲/۹۶ از ۳) پابندی دانشجویان به اخلاقیات در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر می‌باشد. (میانگین ۲/۴۱ از ۳ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۲/۳۹ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) نمره پابندی به عبادیات و شرعیات دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) به ترتیب برابر ۲/۶۲ و ۲/۸۱ از ۳ و دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی به ترتیب برابر ۲/۵۳ و ۲/۷۴ می‌باشد. به طور خلاصه در مورد دینداری کلی افراد می‌توان گفت که اکثریت دانشجویان هر دو دانشگاه (۸۱/۳ درصد دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۵۵ درصد دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) دارای دین داری قوی هستند و دینداری سطح ضعیف در بین دانشجویان دیده نمی‌شود، که این را می‌توان از نتایج تاکیدات بسیار زیاد این دو دانشگاه نظامی بویژه دانشگاه افسری امام علی (ع) بر آموزه‌های دینی و دینداری دانشجویان دانست، چراکه یافته‌های تحقیق حاکی از این است که دینداری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) از دین داری دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی قوی‌تر می‌باشد. (۲/۸۱ از ۳ در بین دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) و ۲/۵۵ در بین دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی) بالاتر بودن دین داری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) نسبت به دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی نشان از برنامه‌های سیستماتیک دانشگاه امام علی (ع) در حوزه دینی است. میزان انحراف معیار نشان دهنده انسجام بیشتر و پراکندگی کمتر در نمره دین داری دانشجویان دانشگاه امام علی (ع) نسبت به دانشگاه علوم انتظامی می‌باشد. بر اساس یافته‌های پیمایشی و دلایل منطقی گفته شده می‌توان نتیجه گرفت هر سه فرضیه تحقیق نیز اثبات شده است. می‌توان گفت این تحقیق توانست پاسخ سوالات خود را کشف نماید. از محدودیت های این تحقیق انگیزه پایین دانشجویان برای همکاری و پر کردن پرسشنامه‌ها بود. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت بعد ایمان در نشان دادن میزان دین داری، تحقیقاتی در

زمینه عملیاتی کردن و سنجش ایمان افراد با روش‌های کیفی و با مشاهده و مصاحبه نیز انجام گیرد و همچنین سنجش میزان و نوع دینداری در سطح کل نیروهای مسلح انجام گیرد تا از این طریق وضعیت میزان دینداری در سازمان‌ها و نیروهای مختلف و از آن مهم‌تر نوع دینداری افراد بر حسب پایبندی به ابعاد دین داری حاصل گردد و مشخص شود افراد کدامیک از ابعاد را توجه بیشتر و کدامیک را مغفول گذاشته‌اند.

منابع

- پترسون، مایکل؛ ویلیام هاسکر (۱۳۸۳)، *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶)، *بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چ ۸، تهران، سمت.
- حبیب‌زاده، رامین (۱۳۸۴)، *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دلبری، محمد (۱۳۸۳)، *بررسی رابطه دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱، چ ۹، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۷)، *نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن، نمایه پژوهش*، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۱۸-۱۱۰.
- (۱۳۸۰)، *بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، فصلنامه نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۵، ص ۱۸۸-۱۵۹.

- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دینداری در ایران، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره ۶، ش ۱.
- (۱۳۸۶)، *جزوه جامعه شناسی دین*، دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۸۷)، *تبارشناسی «تجربه دینی» در مطالعات دینداری*، مجله پژوهش‌های اسلامی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱، ش ۲.
- شجاعی‌زند، حسین؛ شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۵)، بررسی روایی در پیمایش‌های سنجش دینداری در ایران؛ جامعه‌شناسی کاربردی؛ س ۲۷؛ ش ۳، پاییز.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان*، تهران، اداره آموزش و پرورش منطقه ۵.
- (۱۳۸۰). *تعهد مذهبی و تعلق سیاسی، فصلنامه نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۲۲-۳.
- قصابی، رضوان (۱۳۸۶)، *بررسی اثرات دینداری بر بیگانگی اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- محبوبی، رضا (۱۳۹۴)، *ساخت مقیاس (بومی) برای سنجش دینداری؛ فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، س ۴، ش ۱، بهار و تابستان.
- مصری، کتایون (۱۳۸۵)، *جنسیت و دینداری: بررسی میزان و ابعاد دینداری در دانشجویان زن و مرد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدیزاده، محمدرضا (۱۳۷۹)، *بررسی تغییر نگرش دینی دانش‌آموختگان آموزش عالی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- میرزائی، مهدی (۱۳۸۸)، *بررسی رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

----- (۱۳۹۶)، تبیین جامعه‌شناختی رابطه دینداری با فرهنگ سیاسی در ایران؛ رساله دکتری جامعه‌شناسی؛ دانشگاه تهران.

- نبوی، لطف اله (۱۳۸۴)، *مبانی منطق و روش‌شناسی*، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

- نوبخت، احمد (۱۳۸۶)، *بررسی رابطه دینداری و جهانی شدن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- هیل، پیتر؛ هود، رالف (۱۳۸۲)، *معرفی مقیاس‌های دینی؛ ترجمه مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی*، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

-Cornwall, Marie, Stan Alberecht (۱۹۸۶). the dimension of Religiosity: A Conceptual model with on impirical test. *Review of Religious Research*; No۳, March.

-Dijong, G. F. Faulkner, J. E. & Warland, R. H (۱۹۷۶). Dimensions of Religiosity Reconsidered: Evidence from Across - Cultural Study. *Social Forces*; ۵۴(۴): ۸۶۶-۸۸۹.

-Fukuyama, Yoshio (۱۹۶۱). The Major Dimensions of Church Membership. *Review of Religious Rresearch*; ۲: ۱۵۴-۱۶۱.

-Glock, Charles Y. & Rodney Stark (۱۹۶۵). **Religion and Society in Tension**. Chicago: Rand McNally & Company.

-Himmelfarb, Harold S (۱۹۷۵). Measuring religious involvement. *Social Forces*; Vol. ۵۳, No. ۴: ۶۰۶-۶۱۸.

- James, William (۱۹۸۲). *The Varieties of Religious Experience*. U. S. A.: Penguin Book.
- King, Morton, Richard, Hunt (۱۹۷۲). *Measuring Religious Variable. Measure of Religiosity by Hill and Hood*; Birmingham: Religious Education Press.
- Lanski, Gerhard (۱۹۶۱). *The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics and Family life*. Garden city: Doubleday & Company, Inc.
- Stark Rodney & Charles Glock (۱۹۷۰). **American Piety: The Nature of Religious Commitment**. University of California Press.
- Wach, Joachim (۱۹۵۱). "Universal Religion" J, Wach (ed.) *Type of Religious Experience: Christian & none Christian*. Chicago: University of Chicago Press.
- Wilber, Ken (۱۹۸۳). *Sociable God: A Brief Introduction to a Transcendental Sociology*. New York: New Press.
- Yinger, J. Milton (۱۹۷۰). *The Scientific Study of Religion*. New York: Macmillan.